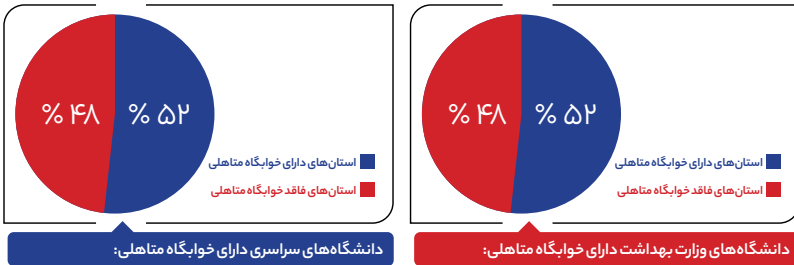


در بحث مردمی سازی اساساً باید به فرهنگ سازی توجه کرد. حالا این فرهنگ سازی یا می تواند حول محور رسانه باشد و یا حول محور دستگاه ها، مانند نهادهایی که در کشور وجود دارند یا حتی گروه های مردمی که می توانند سینه به سینه فرهنگ سازی کنند



ولی این اتفاق به مرور کم و کمتر شد. با توجه به تجربه ای که در این مسیر داشتید، به نظراتان خلأهایی که مادر مردمی کردن حل مسائل، بخصوص مسائل فرهنگی واجتماعی داریم، چیست؟

در این مسیری که در این یک سال ونیم پیش رفتید، چه موانعی سر راهتان قرار گرفت و چطور این چالش ها را برای خودتان حل کردید؟

موانع همیشه هست و چیزی که در ذهن ما همیشه وجود داشت این بود که هر موضوعی که پیش بیاید، باید مشکل خوابگاه ها حل بشود. هیچ بهانه ای وجود ندارد. هر اتفاقی هم که بیفتد باید کنشگرانی بیابند و نسبت به این موضوع حساس بشوند. یکی از چالش هایی که پیش روی ما بود، این بود که متأسفانه خیلی از بچه های جنبش های دانشجویی درگیر روزمرگی ها و مناسبت های تقویمی شدند. مثلاً در صفحات تقویمی خودشان نگاه می کنند که ما الان ۱۶ آذر را داریم، ما سیزده آبان را داریم، این ۱۰ تا برنامه را برگزار می کنیم. بعد پایان سال جمع بندی می کنند که ما این چهار برنامه را برگزار کردیم اما نسبت مان با مسائل جامعه، نسبت مان با مسائل دانشگاه مان به چه شکل بوده؟ اساساً محل رجوع با مرجعیت هستیم یا خیر؟ یا گاهی به این دلیل که احساس می کردند حوزه خانواده دیر نتیجه می دهد اذیت می شدند، تشکل های دانشجویی به دنبال زود بازه بودن هستند. به طور کلی مورد اول این مسأله بود که در لایه کنشگران است. چالش بعد در لایه مسئولان است. ما با سه دسته از مسئولان روبه رو بودیم. یا اراده داشتند ولی امکانات نداشتند، یا اراده و ایده و امکانات داشتند اما اراده ای برای انجام کار نداشتند. عمده مدیرانی که با آنها مواجه بودیم از دسته سوم بودند. با وجود اینکه حتی دولت تغییر کرده ولی نگرش خیلی از مدیران حداقل در حوزه دانشگاهی، نداشتن ذهن خانواده محوری است و زمان می برد تا این اتفاق بیفتد. این دو مانع به نظر بنده چالش های اصلی بود برای ما



وقتی دانشجوی جوانی بنشینید، لیستی را آماده کند که بتواند این زندگی را الان فراهم کند، با آمار و ارقامی روبه روست که اگر بخواهد در خوشبینانه ترین حالت، یک زندگی ساده را هم شروع کند باید مبلغ خیلی زیادی را متقبل شود که بیشترین فراوانی در سبد هزینه یک خانوار که ۴۰ درصد را شامل می شود، مسکن است. بنابراین انتخاب ماد دست گذاشتن روی مسأله خوابگاه های متاهلی بود

نوع دانشگاه	تعداد دانشجویان	تعداد دانشجویان متاهل	تعداد واحدهای خوابگاه متاهلی
وزارت علوم (سراسری)	۷۵۰,۰۰۰	۸۷,۰۰۰	۱۷۰۰
وزارت بهداشت	۳۳۰,۰۰۰	۳۴,۰۰۰	۸۰۰
دانشگاه فرهنگیان	۸۲,۰۰۰	دانشگاه، آماری ندارد!	ندارد!

رئیس دانشگاه می گفت ما پول نداریم، ما خوابگاه متاهلی ایجاد نمی کنیم، اصلاً اولویت من نیست و یا ساختمان نداریم، آنها طبق همین آمار می گفتند شما هفت میلیارد پول دارید و این بودجه این ماده است؛ اگر با این هفت میلیارد در همدان در جای متوسط بخواید سی واحد رهن کنید، می شود شش میلیارد یعنی شما می توانید سی تا جوان را نجات دهید.

نحوه فعالیت تیمی شما به چه صورت بوده؟ آیا ساختار خاصی برای آن طراحی کردید؟

ساختار ما سازمانی نیست که فردی دستور دهد که این کار را بکنید. اولین کار این بود که ما تجربه مان را در اختیار دانشجویان قرار دادیم که از حیث مسأله شناسی اینطور ورود پیدا کردیم، از حیث مطالبه گری و تکنیکی اینطور باید ورود پیدا کنیم... اما چطور این بچه ها را پیدا کردیم؟ یک گروه از تعدادی از دانشجویان دلسوز که هم مطالبه گر بودند و هم حوزه خانواده برای شان اهمیت داشت در تهران تشکل شد و دانشگاه به دانشگاه با بچه ها ارتباط گرفتند. ما بچه ها را از طریق شناسایی چهره می دیدیم؛ مثلاً یک فردی در دانشگاه تربیت مدرس دارد در فضای مجازی پستی در ارتباط با حوزه خانواده می گذارد، دغدغه هایش را می گذارد، روزمرگی اش را می گذارد، ما با این فرد ارتباط می گرفتیم. دغدغه مند بود. انگیزه به او می دادیم و می گفتیم حالا شما بیای عملیاتی پیگیری کن. این افراد این مدلی با تکنیک های مختلف شناسایی می شدند و با آنها ارتباط برقرار می کردیم. هیچ گونه رابطه سازمانی با آنها نبود. یک پکی از تکنیک های مطالبه گری در این موضوع به بچه ها ارائه داده می شد تا هر کدام با توجه به بوم دانشگاه خود یکی از اینها را انتخاب کند یا اصلاً هیچ کدام از اینها را انتخاب نمی کرد. خودش یک تکنیک ابتکاری به کار می برد. این بچه ها از رئیس دانشگاه، معاون دانشجویی، معاون فرهنگی، مسئول نهاد رهبری، همه پیگیری می کردند و اگر می دیدند بعد از یک بازه ای باز خورد نداشت، این مسأله را به سمت استانی کردن می کشاندند. در رسانه های استانی، با استاندار، با مسئولین مختلف و با نماینده ولی فقیه مطرح می کردند تا شاخک های بیرون از دانشگاه را هم حساس کنند.

به لحاظ آماری هم می توانید بگویید که چه تعداد دانشگاه درگیر مسأله بودند؟

در دانشگاه های علوم پزشکی قریب به ۱۹ الی ۲۰ دانشگاه و ۱۷ دانشگاه دولتی غیر از تهران در سطح ملی این موضوع را پیگیری می کنند. در تهران هم پنج دانشگاه اصلی پیگیری این موضوع بودند. دانشگاه علامه، تربیت مدرس، علوم پزشکی ایران، خوارزمی و خواجه نصیر با یک فراز و فرودی.

در سبد هزینه یک خانوار که چهل درصد را شامل می شود، مسکن است. بنابراین انتخاب ما دست گذاشتن روی مسأله خوابگاه های متاهلی بود.

موفقیت هایی را که توانستید در این مسیر به آن برسید چه می دانید؟

به نظر بنده موفقیت در این نیست که ما بگوییم بعد از یک سال و نیم در دانشگاه های وزارت علوم، ۳۵۰ واحد خوابگاه اضافه شده، یا به دانشگاه های وزارت بهداشت ۲۰۰ واحد اضافه شده. این موفقیت، موفقیت خرد و در عین حال مهم است اما موفقیت بزرگ را در این می بینم که جریانی در دانشگاه های کشور راه افتاده که الان آن خانم دهه هشتادی که در دانشگاه علوم پزشکی مازندران که تیمی را تشکیل داده بودند و در بحث خوابگاه متاهلی کار می کردند، آن تیم ذهنش خانواده محور شده و خوابگاه متاهلی را پیگیری کردند و تا حدود زیادی هم موفق شدند. الان هم مطالبه او این است که چرا دانشگاه علوم پزشکی ما برای دانشجویان متاهل مهد کودک ندارد؟ چرا کلاس های تئوریک برای دانشجویان مادر مجازی برگزار نمی شود؟ یعنی یک نگاه خانواده محور نسبت به دانشگاه پیدا کردند و وقتی این اتفاق می افتد چند صباح دیگر این طیف از دانشجویان مسائل دانشگاه شان را به سمت جامعه می برند و مسائل مردم را هم در حوزه خانواده پیگیری می کنند.

نکته دوم این است که از حیث پژوهشی و سیاست گذاری یک اتفاق مبارکی افتاد. ابتدای کار وضع موجود خوابگاه های متاهلی در تک به تک دانشگاه های کشور بررسی شد که دانشگاه ها چه میزان خوابگاه متاهلی در سالیان بعد انقلاب داشتند؟ این دانشگاه ها اگر داشته و الان ندارند چرا تغییر کاربری دادند؟ چه اتفاقی افتاده که الان خوابگاه متاهلی آن تعطیل شده؟ چه میزان دانشجوی متاهل در آن دانشگاه وجود دارد؟ چه تعداد دانشجوی متاهل پیگیر خوابگاه متاهلی در آن دانشگاه است که چون ذی نفع موضوع هستند، شناسایی و پیگیر مطالبه این موضوع شوند؟ مثلاً در دانشگاه تربیت مدرس یک تیم کاملاً مجرد آمدند و دیدند بیشترین تعداد خوابگاه متاهلی در دانشگاه شان بوده؛ اما الان به یازده مورد کاهش یافته است. هم از حیث آماری بررسی می کردند و هم از حیث ارتباط با دانشجویان متاهل که دستشان پر بود و با یک آمار واقعی و دقیق با مسئولان دانشگاه ارتباط می گرفتند که چرا این اتفاق افتاده. نکته مهم تر اشراف دانشجویان به ماده ۷ قانون خانواده و جوانی جمعیت است که یک دانشگاه ده درصد درآمد اختصاصی و ده درصد تملک و دارایی هایش را باید در سبد خوابگاه متاهلی و در تأمین خوابگاه متاهلی دانشگاه مربوطه مصرف کند. برای مثال دانشجویان همدان بررسی کردند که ده درصد بودجه حدوداً هفت الی هشت میلیارد می شود، وقتی

در خود جای دهد. به عنوان مثال در کشور ما عده ای هستند که تمایل به ازدواج دارند، تمایل به فرزند دارند اما امکانش را ندارند. عده ای هم هستند که امکانش را دارند اما تمایلش را ندارند. یعنی یک فردی هست که به لحاظ مالی و مادی امکان ازدواج را دارد اما قائل به ادامه تحصیل است. نگرشش به این شکل است که شاید ازدواج مانع از ادامه تحصیل شود. یا یک خانم متاهل، فرزند دار شدن را مانع پیشرفت خودش می داند یا حس خام بودن می کند. به همین خاطر ما از این گام دوم که عده ای هستند که امکان دارند و تمایل ندارند و نگرش های فرهنگی، سرباز زدیم و روی مورد اول دست گذاشتیم؛ چرا؟ چون اپیدمی و مطالبات حول این محورها زیاد است و غالباً جامعه مسائلش حول محور اول قرار می گیرد. البته این نافی مورد دوم نیست. از طرفی ما قصد داشتیم نگاه جریان و جنبش دانشجویی روی موضوع خانواده حساس شود که بخشی از مطالبات جامعه عمومی و بخشی از مطالبات جامعه اختصاصی مثل دانشگاه در حوزه خانواده شامل چه مواردی می تواند باشد. به همین خاطر یکی از مسائلی که در حوزه دانشگاه وجود داشت و معمولاً روی آن گفت و گوی زیادی اتفاق می افتد به واسطه ترکیب مختلف دانشگاه و سن دانشجویان در آن مقطع سنی ۱۹ تا ۱۸ سال که یک فضای احساسی و عاطفی خاصی و یک شور جوانی خاصی حاکم است، موضوع ازدواج را انتخاب کردیم که یکی از مسائل مناقشه برانگیز در دانشگاه است.

حال این ازدواج خود از دو حیث محل بحث است؛ عده ای هستند که تمایل به ازدواج دارند و امکانش را ندارند و عده ای هم هستند که امکانش را دارند و تمایلش را ندارند. مخاطب ما دسته اول است. دانشجوی سال سوم کارشناسی در خوشبینانه ترین حالت، یک کار پاره وقت با درآمد ۱۲ میلیون، ولی امکان ازدواج ندارد. تربیتی نیست برای صدا زدن در این افراد در دانشگاه های مختلف و حالا این فرد چنان می تواند ازدواج کند؟ به سه دلیل اصلی که در همه پیمایش ها و فراوانی ها، شغل، مسکن و سربازی به عنوان سه اولویت اصلی است که مطرح می شود. نگاه و باور ما این بود که وقتی یک رابطه عاطفی شکل می گیرد مرد برای تحقق آن از هیچ تلاشی دریغ نمی کند تا بتواند به خواسته و مرادش برسد. در تمام مقاطع در کنار درس خواندن، چه کارشناسی، چه ارشد و چه دکتری اگر کار رسمی نداشته باشد حاضر است شغل موقت پیدا کند و همزمان به سمت ازدواج برود، اما وقتی این فرد بنشیند لیستی را آماده کند که بتواند این زندگی را الان فراهم کند، با آمار و ارقامی روبه روست که اگر بخواهد در خوشبینانه ترین حالت، یک زندگی ساده را هم شروع کند باید مبلغ خیلی زیادی متقبل شود که بیشترین فراوانی